



تحلیل تاثیر نشانه شناسی در طراحی بناهای فرهنگی المانی معماری معاصر ایران

الهام محمدشاهی^۱، مه تیام شهبازی^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد، معماری، دانشکده عمران معماری و هنر واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
۲- دکترا، معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده عمران معماری و هنر واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
* تهران، دانشکده عمران و معماری علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، mahtiam@hotmail.com

چکیده

بناهای فرهنگی و المانی شاخص های هویتی و ملی هر کشوری هستند و در بعد مکانی خاص در قالب نشانه معنا پیدا می کنند. اهمیت موضوع در توجه به لایه های معماری معاصر ایران و خوانش آنها و مکاشفه نگرش های دال و مدلولی درون آنها از بعد تکثیر فرهنگی می باشد. بررسی لایه ها و خوانش آنها بدین جهت است که در اکثر موارد بدون آگاهی های نظری و شناخت دقیق لایه های فکری معماری شکوهمند گذشته، معمار ایرانی در ادوار گذشته رو به تقلیدی کورکورانه و سطحی آورده است. چرا که نشانه شناسی بناهای فرهنگی در وادی معماری و زمینه متأثر از آن می تواند رهگشای توالی مسیر در راه درست و توجه به بازنگاری مفهومی نشانه ها در جهت سیر تکوینی آن در ادامه باشد. نشانه شناسی به دو دیدگاه ساختارگرا و پسا ساختارگرا می پردازد. نشانه شناسان ساختارگرا رابطه متن و معنا را مستقیم دانسته و در مقابل نشانه شناسان پسا ساختارگرا، رابطه متن و معنا را غیر مستقیم دانسته و به جستجوی مفهوم ضمنی و روابط بینا متنی می پردازند. هدف از پژوهش حاضر معرفی بناهای فرهنگی معماری معاصر ایران در قالب بررسی نشانه شناسی آنها در بعد زمینه و بستر و مکاشفه لایه های تاریخی آن به جهت مفاهیم اثر می باشد. روش تحقیق از نوع کیفی و به صورت توصیفی تحلیلی و در قالب بررسی نمونه های موردی بناهای فرهنگی المانی معماری معاصر ایران به عنوان نمونه های مشهود و عینی می باشد. نتیجه عمده ای که از این پژوهش بدست آمد نشان دهنده توجه به عوامل زمینه در آثار معماری معاصر و تبعیت و عدم نفی آن و برخورداری از راهکار میانه در برخورد با زمینه و متن می باشد.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل
دریافت: ۱۸ اسفند ۱۴۰۱
پذیرش: ۹ فروردین ۱۴۰۲
ارائه در سایت: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
کلید واژگان:
نشانه شناسی معماری
خوانش معماری
زمینه گرای
معماری معاصر ایران

Analysis of the influence of semiotics in the design of German cultural buildings in contemporary Iranian architecture

Elham MohammadShahi¹, MahTiam Shabbazi^{2,*}

1- Master's degree, Architecture, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Unit, Islamic Azad University of Tehran.
2- Ph.D., architecture, assistant professor and faculty member of Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Unit, Islamic Azad University of Tehran
* Tehran, Faculty of Civil Engineering and Architecture, Science and Research, Islamic Azad University of Tehran, mahtiam@hotmail.com.

Article Information

Original Research Paper
Received 2023-03-09
Accepted 2023-03-29
Available Online 2023-04-25

Keywords:

Architectural semiotics
Study architecture
Contextualism
Contemporary architecture of Iran

Abstract

Cultural and German monuments are the identity and national indicators of any country, and in the dimension of a specific place, they find meaning in the form of signs. The importance of the subject in paying attention to the layers of contemporary Iranian architecture and their reading and the revelation of the signifying and signified attitudes within them is from the aspect of cultural proliferation. Examining the layers and reading them is because, in most cases, without theoretical knowledge and accurate knowledge of the intellectual layers of the glorious architecture of the past, Iranian architects in the past periods have turned to blind and superficial imitation. Because the semiotics of cultural buildings in the field of architecture and the context affected by it can be a guide to the sequence of the path in the right way and pay attention to the conceptual reimagining of signs in the direction of its development. Semiotics deals with two structuralist and poststructuralist perspectives. Structuralist semioticians consider the relationship between text and meaning to be direct, and in contrast to post-structuralist semioticians, they consider the relationship between text and meaning to be indirect and search for implicit meaning and intertextual relationships. The purpose of the current research is to introduce the cultural buildings of contemporary Iranian architecture in the form of examining their semiotics in terms of context and background and revealing its historical layers for the concepts of the work. The research method is qualitative and descriptive and analytical in the form of examining case examples of German cultural buildings of contemporary Iranian architecture as visible and objective examples. The main result obtained from this research shows the attention to the background factors in the works of contemporary architecture and its compliance and non-negation and having a middle approach in dealing with the background and the text.

۱- مقدمه

معماری همواره از طریق نشانه شناسی، معنا، ایده و کانسپت، بر شخصیت پردازی، ایجاد هویت، حس زمان و مکان، ایجاد فضای خاص و عبور از لایه های یوتاریخی، ایجاد حس روان یو هویت تأثیر گذار بوده است. موضوع چگونگی ایجاد هویت از طریق فضا سازی و رسیدن به این نکته که از طریق فضا انسان قادر به درک هویت می گردد، همواره برای اندیشمندان هنر و معماری مطرح بوده است. (پناهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵-۳۴).

برخی نظریه پردازان دانش نشانه شناسی همچون «چارلز سندرز پیرس» معتقدند که "تنها در پرتو نشانه هاست که می توان اندیشید و تفکر بدون نشانه امکان پذیر نمی باشد" (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴). بدین منظور جهت بررسی خوانش معماری بایستی توجه و تعمق بیشتری به مفاهیم و بن مایه های نشانه شناسی داشت. از این میان با تحلیل و کمک از نظریات و مضامین زبان شناسی و نشانه شناسان میتوان از این دانش به معماری به عنوان «یک متن فضایی درون گستره چندگانه محیط اجتماعی» پیرامونش نگاه کرد. شروع معماری معاصر ایران را می توان از حدود سال ۱۹۲۰ به بعد دانست. این زمانی است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد، سیمای شهرهای ایران متحول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید، مانند ادارات، کارخانه ها، بانک ها، ایستگاه های راه آهن، دانشگاه و... و همچنین واحدها و مجموعه های مسکونی جدید در شهرها به وجود آمدند. زمینه های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل گیری آثار معماری بسیار مؤثر هستند. معماری معاصر ایران در بستری شکل گرفته که از جریان های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به طور مداوم تأثیر پذیرفته است و فن آوری، شیوهی زندگی مردم و به دنبال آن کالبد و محیط زیست وی را تغییر داده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۴). ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک سو در راستای معماری روز بوده و پاسخ گوی نیازهای متغیر استفاده کنندگان باشد و از دیگر سو ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد، همواره سبب دل مشغولی بسیاری از اندیشمندان و متفکران این دوره گشته است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۳۰). لذا در راستای بحث نشانه شناسی این سوال پیش می آید که چگونه و با توجه به چه فاکتورهایی بناهای فرهنگی توانسته اند در ارتقای کیفی معماری معاصر نقش آفرینی کنند؟ و دلالت های ساختاری آنها در قالب خوانش متن در معماری مدرن و بعد هویتی معماری چگونه بوده است؟ لذا با توجه به موارد مطروحه آنچه به عنوان هدف پژوهش مد نظر است؛ ارزیابی خوانش متن در معماری بناهای المانی معاصر ایران و تحلیل کیفی آن از نظر تأثیر در روند و ارتقای کیفیت معماری معاصر می باشد.

هدف اصلی از این پژوهش استخراج نگرش متفاوت بناهای المانی و فرهنگی ایران نسبت به زمینه طراحی در معماری پسا ساختارگرا آن ها می باشد. در این راستا فرض عمده بر آن است که ساختمان بنای فرهنگی نسبت به زمینه خود بی تفاوت و منفعل نیست و از طریق راهکارهای گوناگون طراحی و خلاقیت معمارانه به ارزش ها و کیفیات بصری زمینه طراحی منوط می شود. روش تحقیق در این پژوهش بصورت مطالعه و توصیف مبانی نظری در قالب مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و تحلیل استدلالی آثار این دوره و استخراج نتایج می باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کیفی و به صورت توصیفی و تحلیلی در قالب مطالعات با پیشینه تاریخی و بررسی اسناد گذشته به عنوان مستدل و مستند جهت تکوین بعد پژوهشی می باشد. این نوع روش تحقیق بر مبنای استدلال علمی و بررسی متون و اسناد معتبر بر پایه تاریخی و تفسیری استوار است.

۳- تعریف بناهای فرهنگی

فرهنگ به عنوان پدیدهای ذهنی با تجسم و تجسد کالبدی می تواند ابزاری برای بیان متن فرهنگی جامعه در قالب ایجاد تجارب و انتقال معانی فردی و جمعی به حساب آید. کاربری های فرهنگی به ساختمان ها، مراکز یا سازمان ها و فضاهای شهری اطلاق می شوند که در راستای تعامل، انتقال، پیشرفت و سازمان دهی امور فرهنگی گام بر میدارند و بخش یا تمام زمینه های فعالیت آنها در راستای امور فرهنگی می باشد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۴). از این قبیل ساختمان ها می توان به انواع موزه ها، فرهنگسرا ها، نمایشگاه های هنری و ادبی، تالار های موسیقی و تئاتر، کتابخانه ها، یادمان ها، مراکز گردهمایی، پردیس های سینمایی، مراکز اجتماعات و سالن های همایش و غیره اشاره کرد (همان).

۴- تعریف زمینه

زمینه (context) در لغت به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت های است که یک موقعیت یا شرایط را در بر میگیرد و همچنین به معنای شرایطی که چیزی در آن اتفاق میافتد و به شما کمک میکند تا آن را درک کنید. مراد از زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن شکل میگیرد و هم محتوا و شکل را در بر میگیرد. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر میگذارد و از آن تأثیر میگیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. به طور کلی زمینه گرایی سازگاری با زمینه های کالبدی تاریخی و اجتماعی فرهنگی است (فولادی و کابلی، ۱۳۹۷).

۵- معماری زمینه گرا

معماری زمینه گرا بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل میگیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی میکند. در نتیجه ساختمان جزء کوچک از طبیعت پیرامون خواهد بود. در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه های فرهنگی اجتماعی تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا میگردد. معماری زمینه گرا به ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری تأکید دارد و بر این باور است که توازن میان معماری و محیط میتواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه عاملی موثر و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی الگویی است برای خلق محیط مطلوب تر لذا شناخت و آگاهی بیشتر و درکی عمیق تر نسبت به زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. معماری زمینه گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تر از معماری پیام معماری زمینه گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است (مهدهوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). راه های چندی برای طراحی ساختمانی جدید به صورتی همگون و موافق با زمینه معماری اش وجود دارد. از یک سو طراح می تواند عینا عناصر معماری را از ساختمان های اطراف کپی کند و از سوی دیگر از فرم های کاملا جدید برای دگرگون کردن و بهبود بخشیدن

ویژگی‌های بصری ساختمان‌های موجود بهره‌جوید. نظریه معماری زمینه‌گرا مبتنی بر هر یک از این راهکارها و یا راهی میانه رضایت بخش است، مشروط بر اینکه با مهارت انجام گیرد. در هر شرایطی اگر به جای سبک‌های تقلیدی و یا نوآوری‌های افراطی، روابط بصری مستحکم و روشنی به وجود آمده باشد، مایه‌آزردگی بصری نخواهد بود (برولین، ۱۳۸۶). زمینه‌گرایی - یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی - زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد، که عناصر شهر در درون آن، شناخته، پرداخته و ساخته می‌شوند (تولایی، ۱۳۸۰).

در یک جمع‌بندی میتوان رویکردهای کلی زمینه‌گرایی را در ۳ قالب زیر بیان کرد:

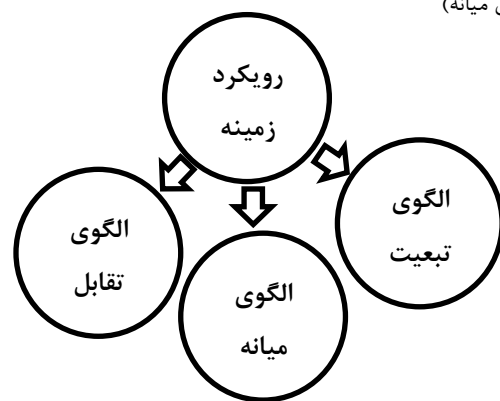
۱. پیروی از زمینه موجود و تبعیت کامل از آن (الگوی تبعیت)
۲. تقابل کامل با زمینه، نادیده گرفتن و نفی زمینه موجود (الگوی تقابل)
۳. احترام به زمینه و عدم نفی آن در عین شاخص بودن و بیان سناریوی خود بنا (الگوی میانه)

مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهنده متن و لایه‌ها و روابط درون متنی و از طریق قرار دادهای اجتماعی، فرهنگی، برداشت‌های ذهنی، نوع وزاویه نگاه خود به دریافت، رمز‌گشایی و معنا سازی برای متن همت می‌گمارد؛ بنابراین هر متن یک نظام دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید و هر کدام از اجزاء در کنار اجزاء دیگر درون نظام تعریف می‌شود. پس هر کدام از اجزاء نشانه‌ایست که مخاطب را به تولید و باز تولید متن دعوت می‌کند. در حقیقت هر متن شبکه‌ای از نشانه‌هاست. همان‌طور که ذکر شد هر کدام از نشانه‌ها به طور مجرد واجد معنایی خاص نیستند و در ساختار متن هویت و دلالتگری خود را می‌یابند. در نتیجه دانشی به نام نشانه‌شناسی به منظور شناخت، تفسیر و یافتن معنا در متن به میان می‌آید. یکی از عام‌ترین تعاریف‌ها از «امبرتو آکو» است که می‌گوید: "نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد" (Eco, 1976:7). "نشانه‌شناسی نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم، بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگری اشاره دارد" (Chandler, 2009:20). "نشانه‌شناسی در جستجوی معنا از طریق کشف لایه‌های عمیق‌تر متن می‌باشد" (Martin & Ringham, 2000:118) "نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است. رویکردهای دیگر شامل تحلیل بلاغی، گفتمانی و محتوایی هستند. در تحلیل محتوایی از روش‌های کمی برای تحلیل «محتوای» متون استفاده می‌شود، اما نشانه‌شناسی به دنبال متون در حکم کلیت‌های ساختمان‌دور جستجوی معنای پنهان و ضمنی است" (Chandler, 2009:20). دوناگرش ساختارگرایی و پساساختارگرایی در نشانه‌شناسی مطرح هستند. نشانه‌شناسان ساختارگرا چون (سوسور، یاکوبسن، اشتراوس) با نگرش زبان‌شناسانه رابطه متن و معنایش را مستقیم دانسته و به رمزگشایی و کشف رمزگان متن می‌پردازند. نشانه‌شناسان پساساختارگرا (پیرس، آکو، بارت، دریدا) رابطه بین متن و معنا را غیر مستقیم دانسته و به جنبه‌های متکثر، لایه‌های درونی متن، بینا متنیت و فرآیند تأخیری معنا می‌پردازند (همان). در این نگرش، اندیشه‌های ساختار محور مورد چالش قرار می‌گیرد و متن به قلمرویی جهت‌بازی معانی بدل می‌شود. در واقع متن مفهومی چند لایه است که مخاطب با توجه به زمان خوانش، جایگاه اجتماعی خود، ذهن خود، چگونگی سنجش و دستیابی به نشانه‌های درونی به دریافت معنادار یافته و به معناسازی متن می‌پردازد. دیدگاه پساساختارگرا (اندیشمندان چون هایدگر، کریستوا، دریدا، بارت)، هر متن را در ارتباط با سایر متون قابل شناخت و بررسی قرار می‌دهد و روابط میان متنی را مطرح می‌نماید به طوری که مخاطب در مواجهه با هر متن به لایه‌های متعددی برای خوانش برمی‌خورد. «رولان بارت» معتقد است یک متن حاصل نیروهای اجتماعی-فرهنگی و تاریخی مخصوصی است که با دقت در بافتار و رابطه آن با سایر متون می‌توان به گوهر آن دست یافت" (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

دریدا "معتقد است به منظور دست‌یابی به معنای متن باید ناخودآگاه متن را بشکافیم" (ضمیران، ۱۳۷۷: ۳۹۵). و هیچ متنی مستقل از سایر متون وجود ندارد و هر متن تداعی‌کننده متون پیشین و درآمدی به سوی متون دیگر است. در واقع متن یک ساختار چند وجهی دارد که از هماهنگی «اندیشه‌ها و تصورات»، «عناصر صوری» و «روابط بین انسانی» تشکیل شده است. هر متن با توجه به جایگاه خود در بافتار پیرامونش معنا می‌یابد. هر متن به دلیل وجود روابط بینا متنی با سایر متون در ارتباط بوده و فرایند معنا سازی متن از همین طریق صورت می‌پذیرد.

به منظور تأویل هر نشانه نیاز به دستیابی به معیارهای زیباشناختی و معناشناختی و کارکردی موجود در مکان - زمان هر طرح معماری اجتناب

معماری زمینه‌گرا به مقوله سبک‌های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌های مجاور، مربوط به دوره و سبک‌های مختلف می‌پردازد. هدف معماری زمینه‌گرا آشنایی با روش‌هایی است که برای ایجاد ارتباط بصری سازگار و همگون‌تر میان ساختمان‌ها، میتوان از آن بهره جست. در نهایت نتیجه مباحث گواه آنست که همه ساختمان‌ها لزوماً نباید با ساختمان‌های اطراف سازگاری و همگونی داشته باشند، بلکه مواردی نیز وجود دارد که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و یا نمادین از تضادی مناسب و مطلوب برخوردار است. هدف معماری زمینه‌گرا آن است که طراحان در هر سبکی که کار می‌کنند چه انقلابی و چه محافظ‌کارانه بدانند که حاصل کار آنها به عنوان بخشی از یک زمینه کلی‌تر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد (برولین، ۱۳۸۶). زمینه را می‌توان به دو مقوله زمینه شهری و زمینه طبیعی تقسیم کرد. برای بناهایی که در بستر طبیعت اند، زمینه شهری معنی خود را از دست می‌دهد و زمینه طبیعی مطرح می‌شود. زمینه طبیعی همان روح، حال و هوا و خاصیت محیطی اعم از بافت، رنگ، جنس، توپوگرافی و از این دست است؛ و البته این مقولات با اصول منطقه‌گرایی هم‌همپوشانی دارند. به همین دلیل زمینه‌گرایی طبیعی بلافاصله به دامن منطقه‌گرایی درمی‌افتد و با آن همصدا می‌شود (ضمیران، ۱۳۸۲). در هر کنش و ارتباط اجتماعی، در حال تولید و باز آفرینی متن هستیم. معماری نیز به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای در فرآیند ارتباط میان انسان‌های جامعه، خود را بیان می‌کند. هر متن اجتماعی (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از «رمزگان» بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط «درون‌متنی» به مخاطب انتقال داده می‌شوند.



نمودار ۱ رویکرد سه‌گانه در مواجهه با زمینه

معماری زمینه‌گرا به مقوله سبک‌های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌های مجاور، مربوط به دوره و سبک‌های مختلف می‌پردازد. هدف معماری زمینه‌گرا آشنایی با روش‌هایی است که برای ایجاد ارتباط بصری سازگار و همگون‌تر میان ساختمان‌ها، میتوان از آن بهره جست. در نهایت نتیجه مباحث گواه آنست که همه ساختمان‌ها لزوماً نباید با ساختمان‌های اطراف سازگاری و همگونی داشته باشند، بلکه مواردی نیز وجود دارد که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و یا نمادین از تضادی مناسب و مطلوب برخوردار است. هدف معماری زمینه‌گرا آن است که طراحان در هر سبکی که کار می‌کنند چه انقلابی و چه محافظ‌کارانه بدانند که حاصل کار آنها به عنوان بخشی از یک زمینه کلی‌تر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد (برولین، ۱۳۸۶). زمینه را می‌توان به دو مقوله زمینه شهری و زمینه طبیعی تقسیم کرد. برای بناهایی که در بستر طبیعت اند، زمینه شهری معنی خود را از دست می‌دهد و زمینه طبیعی مطرح می‌شود. زمینه طبیعی همان روح، حال و هوا و خاصیت محیطی اعم از بافت، رنگ، جنس، توپوگرافی و از این دست است؛ و البته این مقولات با اصول منطقه‌گرایی هم‌همپوشانی دارند. به همین دلیل زمینه‌گرایی طبیعی بلافاصله به دامن منطقه‌گرایی درمی‌افتد و با آن همصدا می‌شود (ضمیران، ۱۳۸۲). در هر کنش و ارتباط اجتماعی، در حال تولید و باز آفرینی متن هستیم. معماری نیز به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای در فرآیند ارتباط میان انسان‌های جامعه، خود را بیان می‌کند. هر متن اجتماعی (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از «رمزگان» بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط «درون‌متنی» به مخاطب انتقال داده می‌شوند.

تلاش و جستجوی تدریجی اما مداوم بوده است که با تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی، مورد تجربه و آزمایش درآمده است. در این دوره مقوله فرهنگ بولد شد؛ و به نقل از "گل محمدی" در این برهه با توجه به محتوای فرهنگی ایران، حفظ فرهنگ و هویت ملی و بومی از ضروریات به شمار می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۱). از روش‌های الحاقی و نمادین در سطح و حجم معماری تا روش‌های تجربی در ایجاد فضای آشنایی معماری از یک سو و استفاده از تکنیک‌های بیان مستقیم تا تجرید و تداعی غیرمستقیم جملگی در این مسیر مورد استفاده قرار گرفتند. ضمن آنکه همه تاریخ معماری ایران از کهنترین دوران تا دوران اخیر منبع تغذیه آن بوده است. در حوزه کیفیت مسابقات معماری در دوران معاصر بازگشت به خویشستن، احیای ارزش‌های پایدار سنت، مفاهیم ازلی و ابدی معماری مستتر در تاریخ، ساختار و محتوای مسابقات را از نگاه طراحان و داوران را معطوف به اهمیت دادن به کنکاش‌های نظری در آموزش، پیوند آموزش معماری با فرهنگ خودی و بررسی‌های تاریخی معماری دوره‌های پیش از مدرنیسم از منظر ملی و منطقه‌ای کرد.

آثار تاریخی معماری معاصر ایران اکثراً نمودهای فرهنگی را در خود دارا می‌باشند و در واکوی آثار فرهنگی نشان از توجه به زمینه‌گرایی نمایان است. زمینه‌گرایی در قالب تاریخی و بازنمود هویت ملی منطقه‌ای بیشتر نمایان بوده و بازخورد خوانش متن با نگاه هویتی مطرح می‌باشد. نشانه‌شناسی پساساختارگرا در آثار معماری معاصر ایران سعی بر نشان دادن ویژگی‌هایی فرهنگی-تاریخی در متن دارد و منطق‌هایی را که به سادگی پدیده‌ی فرض شده اند به چالش می‌کشد.

جدول ۲ تحلیل آثار فرهنگی المانی معاصر ایران از دید نشانه شناسی

نام بنا	معمار و سبک	مشخصه پارز	مشخصه نشانه شناسی
مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما تهران، ۱۳۶۹	شرکت معماری فرمان فرمایان	نمایش لایه‌های معماری ایرانی اسلامی از سازه، طاق تیزه دار و طاق‌های نیم دایره، هندسه شش‌ضلعی و مرکز، خوانش مستقیم و غیر مستقیم لایه‌ها	معماری بی‌نظیر و سازه‌ای ترکیبی با المان‌ها و نماهای معماری ایرانی، نشانه‌گر پیشینه‌ها و معماری بومی ایرانی بخصوص در طاق نماهای ورودی و نورگیری‌ها و هندسه مرکزی سالن اصلی
مرکز فرهنگی دژول ۱۳۶۶	فرهاد احمدی، پست مدرن	توجه به لایه‌های معماری از بعد نماد و کهن‌الگوی یادگیر و نماد و طاق-خوانش مستقیم	استفاده از آرکی‌تایپ‌هایی مانند یادگیر و گنبد و طاق معماری ایرانی اسلامی
پردیس سینمای پارک ملت ۱۳۸۷	رضا دانشمیر	نمایشی از متحنی‌ها و لایه‌های آرامش بخش متعکس کننده هویت معماری ایرانی اسلامی، خوانش غیر مستقیم	ساختار و جویباری ارتباط ساختاری با محیط اطراف - ایجاد فضاهای متنوع - قرار دادن چشم‌انداز نوینی از گشایش فضا به منظره از معماری گذشته ایرانی - توجه به موتیف قوس در ورودی اصلی
مجتمع ورزشی رفسنجان	سید هادی میرمیران، پست مدرن	نمایشی جدید از یخچال‌های سنتی کرمان، خوانش مستقیم	توجه به پست‌مدرنیسم و کالبد تاریخی منطقه-توجه به کارکرد فرهنگی و اقلیمی یا استفاده از شاخصه‌های ظاهری منطقه
بج آزادی	حسین امامت، مدرن	چهار طاقی و طاق کسری، نماد معماری دوره ساسانی، مفرس به عنوان تزئینات به جا مانده از دوره مادها، کاشی‌کاری فیروزگام و هندسه به عنوان نمایش معماری اسلامی، خوانش غیر مستقیم	توجه به هندسه و فرم یا نوع نگاه هویتی - ملی نوستالژیک به معماری گذشته و ترویج فرهنگ و ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی
فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران	سید هادی میرمیران، پست مدرن	نمایش ترکیب سنتی یادگیر در قالب مدرن، خوانش مستقیم	احترام به پست‌مدرنیسم - اقلی بودن لایه‌ها و رعایت زاویه تاریخی در بنا

مشخصه‌های پارز نشانه شناسی

ناپذیر است. طراح هر طرح و متن معماری را با توجه به قراردادهای و در حیطه ادبیات جامعه خود رمز گذاری میکند. مخاطب با زرف نگرایی در لایه‌های متعدد طرح لایه‌های کاربردی، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی- فرهنگی لایه هرمنوتیکی و دریافت روابط به معناسازی برای آن می‌پردازد. لایه هرمنوتیکی معماری از طریق رمزگان موجود در طرح و با توجه به عمق و سطح دریافت، معنای طرح را تشکیل می‌دهد. هر کدام از لایه‌ها و از جمله لایه هرمنوتیکی خود از زیر لایه‌های متعدد تشکیل شده و معنا از هر زیر لایه به لایه دیگری در جریان بوده و به طور غیر قطعی و سیال در حال جوشش است. پس خوانش معماری یعنی توجه به لایه‌های شاکله طرح و معناسازی بر اساس لایه‌های هم‌نشین که معنا همواره به تعویق می‌افتد. معنا همواره در غیاب نشانه وجود داشته و در پیوستاری از دالها پراکنده است و به صورت تعویقی و سیال از مخاطب فرار کرده و مخاطب در جستجوی آن در تلاش است. پس معنای هر نشانه در طرح یعنی نشانه چه چیزی نیست و این آغازی است بر ساز و کار «واسازی» (غفاری و فلامکی، ۱۳۹۳).

در رابطه با نشانه‌شناسی و مفاهیم آن نظریات گوناگونی وجود داشته که هر کدام به نوعی ارزش مفهومی متن و نشانه را بیان می‌کنند. در همه نظریه‌ها یک وجه اشتراکی وجود دارد و آن هم این است که بین دو نقشگر بیان و محتوا ارتباط و هم‌نشینی دوسویه وجود دارد و نشانه نمود عینی بارز نموده است و در حقیقت متن هر اثر بواسطه نشانه‌های آن معنا می‌شود و ارجاع به آن نیز از همین طریق است.

جدول ۱ تحلیل نظریات نشانه‌شناسان در نشانه شناسی.

نظریه پرداز	تحلیل نظریه
فردیناند سوسور	دو وجهی یا دو تایی بودن متن در کنار هم-نشانه‌ها در حقیقت به هم ارجاع داده می‌شوند- نشانه حاصل انطباق دو عنصر یعنی دال و مدلول (تصور ذهنی و مفهوم)
چارلز سندرس پیرس	نشانه یعنی هر چیزی که امکان تفکر درباره آن وجود دارد- ادامه دار بودن فرایند تفسیر تا بی‌نهایت- نشانه نمود عینی باز نموده است (نمود مدلول)
امبر تو آکو	بین «ارتباط» و «دالات» تمایز قائل می‌شود- نشانه شناسی ارتباط و نشانه شناسی دالات با هم متفاوتند (وجه افتراقی دال و مدلول)- مجموعه‌ای از سیگنالها با قوانین ترکیب پذیری درونی حاکم بر آنها - مجموعه‌ای از حالات متفاوت که به مجموعه‌ای از پیام‌ها (محتوای) ارتباطی معنادار می‌شوند- مجموعه‌ای واکنش‌های رفتاری محتمل از سوی مخاطب (نظام رفتاری، کنش‌گری) - نقش نشانه‌ای زمانی تحقق می‌یابد که دو نقشگر بیان و محتوا با هم به نوعی رابطه همبسته دو سویه داشته باشند.
رولان بارت	خوانش متن از طریق زبان شکل می‌گیرد- متن بر عنصر اصالت اثر تأکید دارد و اثر بیانگر ارزش زیبایی‌شناختی است- بایستی از تحلیل متن به اثر رسید تا بتوان به دنیای ذهنی مؤلف پیوند خورد (اولی پیامی برای دومی)- هر متن گستره‌ای از معنا را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد- خوانش متن به دنبال کشف حقیقت و معنا نیست، بلکه ساختاری نشانه‌شناسی را پدید می‌آورد.

آنچه از بررسی آثار برآیند می‌شود بدین گونه است که؛ معماری معاصر ایران با نقطه عطفی از بروز جنبه‌های هویتی و فرهنگی و بازبینی نشانه‌ها در قالب هویتی مواجه شده است. بررسی رویکرد‌ها و گرایش‌های معماری معاصر و بر طبق نتایج به دست آمده از عناصر و المان‌های آورده شده می‌توان ویژگی‌های مشترک و قابل‌انکالی را از تفکرات و محصول معماری معاصر ایرانی اسلامی در لایه‌های درون متنی آثار مشاهده کرد. عمدتاً در اغلب آثار معماری نگرش‌های

در غالب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، خاص نگرایی‌های فرهنگی واکنشی بود که در مقابل نفوذ فرهنگ جهانی متجلی گردید. توجه به هویت و اصالت در معماری که مدت‌هاست سبب تولید نظریات و گرایش‌های مختلفی از جمله منطقه‌گرایی و بوم‌گرایی گردیده، همواره دغدغه‌عده‌ای از نظریه پردازان و طراحان ایران بوده است. این نوع استفاده از منابع و فرهنگ ایرانی

معاصر بعد از انقلاب نگاهی ملی داشته و هرچه این روند سیر به جلو دارد بیشتر به معانی و مفاهیم هویتی معطوف می‌گردد و معماری حس و حال جدید و مفهومی می‌گیرد و بستر ارزشمند معماری ایرانی بیشتر نمود پیدا می‌کند.

۷- مراجع

- [۱] پناهی، س. هاشم پور، ر و اسلامی، غ. (۱۳۹۰)، "معماری اندیشه از ایده تا کانسپت"، هویت شهر، شماره هجدهم، ۲۵-۳۴.
- [۲] ابراهیمی، س. (۱۳۸۹)، "معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار"، نشریه‌ی هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.
- [۳] حبیبی، م. (۱۳۸۵)، "شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر"، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- [۴] عباس زاده، م، مرادی، م، و سلطان آبادی، ا. (۱۳۹۴)، "نقش ارزش‌های میراث معماری و شهری در توسعه گردشگری فرهنگی مطالعه موردی: بافت تاریخی ارومیه"، مطالعات شهری، شماره ۱۴، ۷۷-۹۰.
- [۵] فولادی، س و کابلی، ا. (۱۳۹۷)، "تحلیل بستر طراحی با تاثیر پذیری از معماری زمینه‌گرایی در روش SWOT"، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.
- [۶] مهدوی نژاد، م، بمانیان، م و ملایی، م. (۱۳۹۰)، "فرآیند طراحی زمینه‌گرا-تجربه معماری"، نقش جهان.
- [۷] قنبری، ن و منصور، ی. (۱۳۹۶)، "اصول طراحی بناهای فرهنگی با رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران"، مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، بهار ۱۳۹۶، دوره سوم - شماره ۱۱، ۳۹ تا ۵۷.
- [۸] برولین، ب. (۱۳۸۳)، "معماری زمینه‌گرا(سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)" ترجمه راضیه رضازاده، اصفهان: نشر خاک.
- [۹] بارت، ر. (۱۳۷۰)، "عناصر نشانه‌شناسی"، ترجمه مجید محمدی، انتشارات بین المللی المهدی، تهران.
- [۱۰] تولایی، ن. (۱۳۸۰)، "زمینه‌گرایی در شهرسازی"، هنرهای زیبا.
- [۱۱] ضمیران، م. (۱۳۷۷)، "جستارهای پدیدار شناسانه درباره هنروزیبایی"، انتشارات کانون، تهران.
- [۱۲] ضمیران، م. (۱۳۷۹)، "ژاک دریدا و متافیزیک حضور"، نشر هرمس، تهران.
- [۱۳] غفاری، ع و فلاحی، م. (۱۳۹۳)، "بازنمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در خوانش معماری؛ نگاه ساختارگرا و پساساختارگرا"، کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.

[14] Eco, Umberto. (1976), "A theory of Semiotics", Indiana University Press, Bloomington, Indiana, USA.

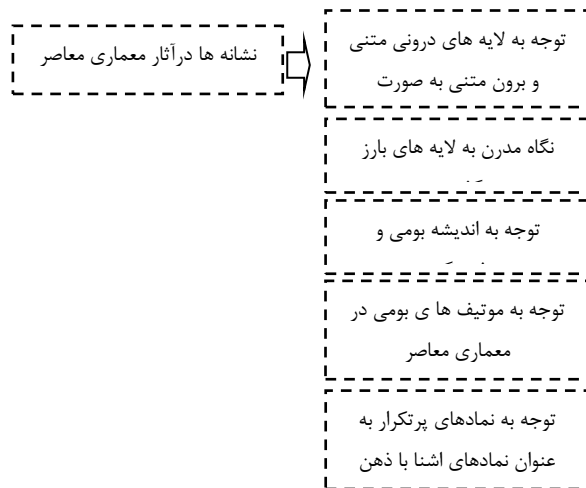
[15] Eco, U. (1979), 'Function and Sign: The Semiotics of Architecture in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory', Ed. By Neil Leach, Routledge, London.

[16] Chandler, D. (2007), "Semiotics: The Basics", Routledge, London.

[17] Bronwen, M and Ringham, F. (2000), "Dictionary of Semiotics", Cassell, London & New York.

مثبت مدرنیته در قالب ایده‌های مشابه و همگامی با معماری روز دنیا و توجه به ویژگی فرهنگی، محیطی و بومی ایران قابل مشاهده است. با پیروی از متون تحقیق نتایج تحقیق در قالب یک نمودار بیان شده است که نشان دهنده این موضوع است که معماری بعد از انقلاب یک معماری فرهنگی و در بیشتر موارد سعی در دوری از غرب‌گرایی بوده و این موضوع حداقل در طرح‌های موفق نمود داشته است و توجه به پیشینه غنی معماری بومی به عنوان یک فرآیند گذشته‌مابانه و هویتی مطرح بوده است.

جدول ۲ نمودار توجه به نشانه‌ها در لایه‌های معماری معاصر ایران



۶- نتیجه‌گیری

با پیروی از مباحث مذکور آثار فرهنگی المانی معاصر بازتاب یک معماری پست مدرن پساساختارگرا از نوع زمینه‌گرایی است که می‌تواند ضمن اهمیت دادن به زمینه و ساختار متن در عین حال معانی و تفسیری بینامتنی از نظر ایده و کانسپت بکار رفته داشته باشند. نشانه‌شناسی در آثار معماری معاصر ایران نشان از توجه به ابعاد هویتی ملی دارد و در واقع رد پای معماری ایرانی اسلامی در بیشتر آنها در قالب نماد و نشانه معنا پیدا می‌کند. با پیروی از متون تحقیق نشانه‌شناسی با نگاه پساساختارگرایی، معماری را برگرفته از خوانش‌های درونی و ضمنی و اندیشه‌های فرامتنی دانسته به طوری که مخاطب با طرحی متن‌گون مواجه شده و به معنا سازی و نشانه سازی برای آن می‌پردازد. در واقع معماری معاصر ایران با کشف نمادهای گذشته در قالب زمینه مناسب همواره به عنوان ماهیتی کارکردی و دارای لایه‌های سیستماتیک به دنبال پاسخگویی به نیازهای انسانی است. از طرفی طرح با بهره‌گیری از نشانه‌ها و رمزگان‌ها معماری گذشته، چون لایه‌ای پنجره‌وار مخاطب را به تماشای نشانه‌ها برده و سعی در کشف معانی بارز و پرکاربرد داشته و همواره در تلاش است تا با تکیه به اشارات مستقیم طرح، دلالت‌های غیر مستقیم، لایه‌های کارکردی، خصوصیات بازتاب و دگرگونی، به کشف لایه‌های جدیدی از معنا بپردازد و به اصطلاح معماری را خوانش کند. با نگاهی تفسیری به آثار معماری معاصر ایران از دیدگاه مبتنی بر زمینه در اکثر آثار نشانه‌ها نتیجه توجه به گشایش رمزهای گذشته می‌باشد که همبستگی ناپایدار و گذرا میان عناصر را موجب می‌شود و هر یک از این عناصر می‌توانند در رابطه هم و وابسته دیگری وارد شوند و بدین ترتیب نشانه تازه‌ای شکل گیرد. در این راستا استفاده از کهن‌الگوهای گذشته در قالب نشانه‌های بارز هویتی در معماری